

سنت موسیقی عرب

The Arab Musical Tradition

* نوشته صالح المهدی

** ترجمه فریبا سلامت‌نیا

چکیده

تاریخ عرب همواره با شعر و موسیقی و تأثیر سحرانگیز آن عجین بوده است. قبل از ظهور اسلام اشعار عرب روی دیوار کعبه نوشته می‌شد و بعد از اسلام با صدای بلال حبشی اولین اذان که دارای موسیقی فوق‌العاده‌ای است شنیده شد. موسیقی در مراسم خاص خانواده‌های عرب مثل عروسی یا عزا دیده می‌شود. همچنین اعراب با آوازهای آیینی در مراسم زائرین مکه از آنها استقبال می‌کنند. در این گفتار به نقش موسیقی در زندگی اعراب و تأثیر آن در علم و سیاست و فرهنگ آن اشاره شده و برخی نت‌ها و آوازهای مهمی که در موسیقی آنان مشهور می‌باشد ذکر گردیده.

کلیدواژه: موسیقی عرب، موسیقی آیینی، صالح المهدی.

هرکس که تاریخ مردم عرب را از زمان‌های دور مطالعه کرده باشد، نمی‌تواند منکر شود،

* موسیقی‌شناس و آهنگساز عرب از کشور تونس که در سال ۱۹۲۵ به دنیا آمد. او در سن هجده سالگی به‌عنوان استاد موسیقی در کنسرواتوار رشیدیه برگزیده شده، در سال ۱۹۶۱ به‌عنوان مدیر موسیقی و هنرهای مردمی در وزارت فرهنگ و اطلاعات تونس منصوب شد. صالح المهدی آثار متعدد از انواع مختلف موسیقی مانند موسیقی سنتی عرب، موسیقی پاپ، قطعات سازی موسیقی غربی و شرقی، و موسیقی مجلسی خلق نموده است. از جمله آثار مکتوب او می‌توان به کتاب زیر اشاره کرد:

La musique arabe (Paris: Alphonse Leduc, 1972)

** نقاش، مترجم متون هنری انگلیسی.

که تاریخ این مردم همواره به طور متمایز و مشخصی با هنر و ادبیات عجیب بوده است. اشعار متعددی از ادبیات عرب به دست ما رسیده، که به مراسم عکاظ در مکه باز می‌گردد. پیش از ظهور اسلام و در قرن ششم میلادی این اشعار بر روی دیوار مقدس کعبه که به دست حضرت ابراهیم ساخته شد، نوشته شده بود؛ مشهورترین خوانندگان آن زمان این اشعار را می‌خواندند.

از دیگر مظاهری که اهمیت موسیقی و آواز را در آن دوره نشان می‌دهد، حضور خوانندگان حُدی در کاروان‌های بازرگانان عرب است، این کاروان‌ها شبه جزیره عربستان را از شمال به جنوب و به عکس می‌پیمودند. گروه حُدی خوانان با خواندن به نوبت و مداوم شتران را همراهی نموده، از خستگی آنها در طول راه جلوگیری می‌نمودند. بنابراین وجود خوانندگان حُدی از ضروریات بوده است، زیرا در جایی که کشاورزی به دلیل خشکی آب و هوا تقریباً ناممکن بود، داد و ستد ستون اصلی اقتصاد عرب را تشکیل می‌داد.

پس از ظهور اسلام حضرت محمد (ص)، بلال حبشی را به دلیل صدای فوق‌العاده‌اش برای اذان گفتن برگزید. اذان پنج نوبت در روز گفته می‌شد. نخستین آن هنگام سپیده صبح بود، وقتی که مؤمنان به صدای زیبای مؤذن از خواب برمی‌خاستند. در قرن هفتم هجری اذان در پرده اصفهان خوانده شد، منشأ پرده اصفهان ایران و منطقه خاورمیانه است، حال آن‌که در شمال آفریقا و اندلس انتخاب پرده اذان به عهده مؤذن بود.



- موسیقی روز به روز جایگاه مهم‌تری در دیگر فعالیت‌های اجتماعی پیدا می‌کرد.
۱. در زندگی مذهبی مسلمانان، مسیحیان و دیگر مذاهب، موسیقی مجموعه‌ای از نمایش‌های مذهبی را شامل می‌شد، که در فرقه‌های مختلف صوفیانه ارائه می‌گردید.
 ۲. در طول حیات انسان از تولد تا مرگ در مراسم و جشن‌هایی که در رابطه با او برگزار می‌شد، موسیقی حضور داشت.
 ۳. در زندگی شغلی، موسیقی، کارگران را به هنگام کار، قصه‌گویان را به هنگام بیان حکایت، و روان‌پزشکان را به هنگام روان‌درمانی همراهی می‌کرد.

۴. در عرصه سیاسی زندگی، موسیقی بهترین وسیله برای جمع شدن مردم گرد یک تفکر یا یک شخص بود.

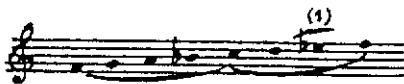
۵. نهایتاً موسیقی بهترین همراه برای طالبان علوم و فنون بود؛ همه قوانین علوم و ادبیات به نظم درآمده، بدین صورت مهیای به آوازخواندن می شدند.

موسیقی آیینی

اکنون به موسیقی آیینی، یکی از اصلی ترین منابع موسیقی در دنیای عرب و مسلمان می پردازیم. نخستین نمونه این موسیقی قرائت قرآن است. قرائت بداهه پردازی هایی با وزن آزاد است، که در لحن های مختلف متداول در کشورهای عرب خوانده می شود. این لحن ها نتیجه برخورد فرهنگ های مختلف است، که به نوعی با فرهنگ عرب ارتباط پیدا کرده بودند. بدین ترتیب می بینیم که تا به امروز بین همه کشورهای که در این ارتباط حضور داشتند، نوعی وابستگی موسیقی مشاهده می شود؛ حتی وقتی که این ارتباط بعدها قطع شده باشد. نمونه آن فلامنگو در مایه mi از موسیقی اسپانیاست، که با وجود تغییراتی که طی زمان داشته، همچنان در مایه سه گاه باقی مانده، که ریشه ایرانی دارد؛ هم چنین ارتباط مذکور در برخی کشورهای بالکان نیز دیده می شود، خصوصاً در لحن هایی که نخستین ذوالخمس آنها بدین صورت مرتب شده است: دوم بزرگ، سوم کوچک، چهارم افزوده، و پنجم درست.

در این رابطه گفته شده که سلطان سلیم سوم (۱۲۰۳ - ۱۲۲۲ ق)، پادشاه عثمانی که از موسیقی دانان مصنف در زمان خود به شمار آمده و حامی بزرگ هنر بود، تصمیم گرفت تا با افزودن خصیصه ای حائز احترام فراوان، بین قرائت قرآن و لحن هایی که معمولاً برای تصنیف سازی یا بداهه پردازی به کار می رفت، تمایزی ایجاد کند. بدین منظور او لحنی خاص را برای قرائت قرآن در کشورهای تحت فرمان خود معین نمود. این لحن چهارگاه بود، که نخستین ذوالاربع آن همانند گام ماژور موسیقی غرب است.

نت گاه چهارگاه^۱



بدین ترتیب دلیل کمیاب بودن قطعات چهارگاه در سنت موسیقی خاورمیانه آشکار می گردد.

از جهتی دیگر نمونه‌های متعددی از لحن مزوم در سنت موسیقی شمال افریقا یافت می‌شود؛ که ریشه در موسیقی اندلس داشته، به چهارگاه شبیه است. این دو مسأله باعث به وجود آمدن عقیده‌ای خرافی شده، که هیچ‌گاه نباید تمامی یک نوبه^۲ را در لحن مزوم اجرا کرد؛ زیرا باعث جدایی یا فوت یکی از اعضای خانواده خواهد شد. برای مثال در تونس گروه موسیقی سلطنتی تنها هنگام مرگ امیر اجازه داشت نوبه^۲ مزوم را بنوازد.

طی قرن نوزدهم میلادی سنت جدیدی در مصر به وجود آمد، که پس از آن به واسطه مسجد و مدرسه^۳ الازهر در دیگر کشورهای عرب و خاورمیانه اشاعه پیدا کرد. در سنت مذکور آغاز و پایان قرائت قرآن در لحن بیاتی بود، که در شمال افریقا به نام حسینی شناخته می‌شد.



قرائت قرآن در تونس در لحن مایه به پایان می‌رسد. نوبت طلوع نیز در این لحن تصنیف شده، این نوبت خاتمه‌دهنده برنامه‌های اجرای موسیقی عربی اندلسی بود. علاوه بر این، نوعی از قرائت جمعی قرآن وجود دارد، که در بیشتر مساجد اجرا می‌شود، و افراد مختلف از طبقات اجتماعی و در سنین متفاوت را در کنار هم قرار می‌دهد.

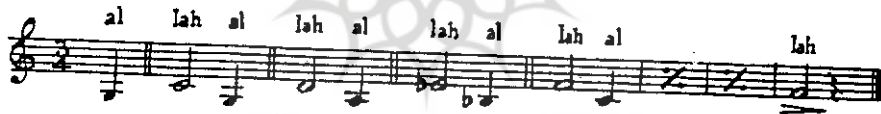
نوع دیگر موسیقی آیینی خواندن شرح زندگی و سیره پیغمبر است، که در تمامی کشورهای مسلمان و به‌چندین زبان خوانده می‌شود.

این سرودخوانی علاوه بر جشن میلاد پیامبر در جشن‌های مختلف خانوادگی به صورت آواز جمعی در لحن‌ها و وزن‌های مختلف خصوصاً با شعر حمزیه اجرا می‌شود. حمزیه شعری از شاعر سده ششم هجری، شیخ البصیری است، که به عشق پیامبر و عظمت و عمق عقایدش درباره صلح و عدالت می‌پردازد.



نقش تصوّف

فرقه‌های مذهبی صوفیانه متعددی در کشورهای مختلف جهان عرب به وجود آمد، که در تجمّعات هفتگی آنها در مدارس مذهبی و خانقاه آواز، آداب، اخلاقیات، رقص و بازی‌های مخصوص تعلیم داده می‌شد. هم‌چنین این فرقه‌ها در تحکیم روابط بین کشورهای اسلامی نقش داشتند. برای مثال در تونس فرقه‌های مختلفی وجود داشت، از جمله این فرقه‌ها قادریه و شاذلیّه بودند، که به شیخ عبدالقادر گیلانی (۴۷۱-۵۶۱ ق) و شیخ ابوالحسن شاذلی (۵۹۱-۶۵۶ ق) منتسب شده‌اند. افراد معتقد به این دو فرقه غروب روز جمعه و صبح روز شنبه بر روی تپه‌ای دور از مرکز کشور تونس گرد هم می‌آمدند. این گردهمایی در تابستان در صحنه مراسم آوازهای مذهبی مبدل می‌شود، که هر پنجشنبه و به مدت چهارده هفته ادامه دارد. این مراسم شامل قرائت قرآن، الحزبه^۳ (دعای شیخ ابوالحسن) و منشدین است. منشدین چهار خواننده هستند، که به نوبت اشعاری را در مدح خدا و رسول به طور بداهه می‌خوانند. در حدود نیمه شب شرکت کنندگان مرزوقیه را می‌خوانند، که آوازی با وزن آزاد در لحن ذیل^۴ است. شب با ذکر به پایان برده می‌شود. ذکر رقص گروهی از معتقدان در تاریکی مطلق و در دو صف موازی است، که در آن نام الله در وزن ۳/۴ و در محدوده فاصله چهارم درست تکرار می‌شود.^۵



گروه‌های مختلف آواز آئینی مربوط به فرقه‌های دیگر عصر روز پنج شنبه در این مراسم شرکت می‌کنند. از جمله این گروه‌ها فرقه سلامیه است، که به شیخ عبدالسلام الاسمر (سبزه‌رو، ۸۷۹-۹۸۰ ق) از شهر زلیطن در لیبی منتسب هستند. این گروه‌ها از مردان خواننده تشکیل می‌شود، که به شکل دایره‌وار و مطابق وزن آهنگ، رقصی را با قدم آهسته اجرا می‌کنند. گروه‌ها با ساز کوبه‌ای بندیر (دف) همراه می‌شوند. این رقص و موسیقی عموماً از پیش ساخته شده است، اما تک‌خوان گروه آزاد است، که بداهه پردازی‌هایی را در قالب مایه گردانی اجرا نماید. فرقه دیگر عیسویه هستند، که به شیخ محمد بن عیسی (۸۸۱-۹۳۶ ق) از شهر مکناس در مراکش منتسب شده‌اند. مراسم این فرقه به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش

نخست مخصوص آواز و رقص و بخش دوم مخصوص بازی است. گروه آوازخوان روی فرش یا حصیر نشسته، نوبه را می‌خوانند؛ در همان حال گروه رقصنده به موازات گروه آواز صف کشیده، با ذکر نام الله قدم‌های رقص را مطابق با وزن آهنگ اجرا می‌کنند. وقتی که با وزن خماری که حالتی چالاک و سریع دارد، آواز به نقطه اوج هیجان می‌رسد، گروه رقص به حالت خلسه رفته، اعمالی عجیب از آنها سر می‌زند. بعضی در حالی که پوست شتر مرغ به تن کرده‌اند، میخ‌هایی به طول ده سانتیمتر را می‌بلعند. بعضی دیگر که لباسی شبیه شتر پوشیده‌اند، برگ‌های کاکتوس را با خارهای بلندش می‌خورند.

در آخر نوبت به گروه عکاشه می‌رسد تا نمایش شیر را اجرا کنند، که بر دست و پا و گردنش زنجیرهای ضخیم بسته شده است شیر که ستاره نمایش است، نمایشی مهیب را اجرا کرده باعث ترس ناظرین می‌گردد.

فرقه عزوزیه منسوب به شیخ علی عزوز که در سده یازدهم از مراکش برخاسته بود، به همراه گروه عیسویه دو گروه عمده‌ای هستند، که موسیقی اندلس را به صورت شفاهی و نسل به نسل به فرهنگ موسیقی شمال آفریقا منتقل نموده‌اند. موسیقی سنتی این چنین محافظت می‌شود؛ این امر تا به امروز که صنعت ضبط صدا، امکان نشر موسیقی و تحقیق در زمینه فرهنگ موسیقی را فراهم ساخته، ادامه داشته است.

زنان نیز از طریق فرقه تیجانیّه (۱۱۴۹-۱۲۲۹ ق) در حفظ سنت موسیقی عرب مشارکت داشته‌اند. تیجانیّه در فضای روشنفکرانه تونس جریان داشته، مروهون فیلسوف و شاعر آن دوره شیخ ابراهیم ریاحی (۱۱۵۹-۱۲۶۵ ق) بود. آوازهای این فرقه خصوصیت صحرایی داشته، براساس گام پنج نغمه‌ای (پنتاتونیک) است؛ باید از تیجانیّه قدردانی نمود، که موسیقی صحرایی را به شهرنشینان معرفی کردند.

این گروه‌های مختلف موسیقی آیینی در همه وقایع زندگی در روستاها شرکت داشتند. در مراسم عروسی دسته‌ای برای همراهی داماد به راه انداخته، به منزل او وارد شده، موسیقی اجرا می‌نمودند. وقتی آهنگ مخصوص عروسی خوانده می‌شد، همه حاضران پولی به عنوان هدیه در قدح قرار می‌دادند، که در نهایت دست به دست به داماد می‌رسید.

وقتی شخصی از دنیا می‌رفت، ایشان در تشییع و ترحیم متوفا شرکت کرده، علاوه بر آن هریک از گروه‌ها به خانه متوفا یک قصبه^۶ غذای کوسکوس^۷ می‌فرستاد، که با گوشت گوسفند طبخ می‌گردید.

موسیقی در زندگی روزمره

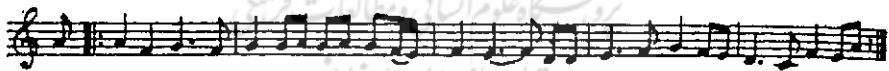
موسیقی همیشه از تولد تا مرگ همراه عرب بوده است. برای نشان دادن شمه‌ای از حضور وسیع موسیقی در مراحل مختلف زندگی می‌توان به مثال تونس توجه نمود.

از آنجا که تولد واقعه‌ای مهم است، مراسم خاصی در خانواده برای این امر تدارک دیده می‌شود. در این مراسم کلوچه‌های مخصوص پخته شده با دانه کُنجد و کره صرف شده، تولد نوزاد به صدای زغاریه زنان که فریاد شادی است، تبریک گفته می‌شود. اگر نوزاد پسر باشد سه بار، و اگر دختری باشد تنها دوبار فریاد زده می‌شود. یکی از آوازهایی که در این مراسم خوانده می‌شود، آواز قابله گروه تیجانیه است. در این آواز مهارت قابله تحسین شده، از او دعوت می‌شود، تا در موارد دیگر تولد نوزاد حاضر شود.

آواز قابله



در بعضی از شهرهای تونس وقتی نوزاد پسر است، در روز هفتم تولد از شاگردان مدرسه قرآن دعوت می‌شود، تا تسبیحات را قرائت کنند. یکی از آوازهایی که ایشان می‌خوانند چنین است:



برای هریک از مراحل جدید فرزند متولد شده، مراسم خاصی اجرا می‌شود. برای مثال جشن کرکوش هنگام رویدن نخستین دندان کودک برگزار می‌گردد. در این جشن کودکان خردسال دیگر دعوت می‌شوند، تا آواز خوانده و هدایای خود را به کودک مورد نظر تقدیم کنند. نیز برای دختران در سن هفت سالگی جشن اکساء برگزار می‌گردد، در آن جشن گیسوان دختر مطابق سنت و رسوم بافته می‌شود.

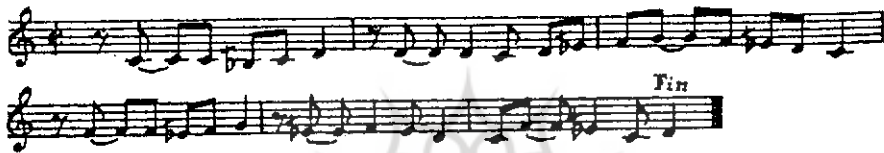
مهم‌ترین مراسم برای پسران، سور یا جشن ختنه کردن است، که خانواده پسر از مدت‌ها قبل برای برگزاری آن آماده می‌شوند. این مراسم از جهتی به مراسم هفت‌روزگی

پسران شبیه است، زیرا در این مراسم نیز گروهی از شاگردان مدرسه قرآن پشت سر پسر مورد نظر حرکت می‌کنند؛ که برای این روز خاص، لباس گلدوزی شده پوشیده است. گروه پسران دو آواز می‌خوانند:

آواز اول



آواز دوم



آواز اول حالتی سنگین دارد. وقتی گروه پسران به محل خسته کردن نزدیک می‌شوند، آواز دوم خوانده می‌شود، که حالتی شادتر دارد. در طول هفته بعد برنامه‌های متعدد موسیقی اجرا می‌گردد، که یکی از آنها تعلیله است. در این وقت است که مهمانان هدایای خود را تقدیم کرده، از این راه خانواده پسر را در هزینه‌های ترتیب دادن مجلس جشن یاری می‌دهند. در آینده چنین کمک‌هایی برای ترتیب دادن مراسم دیگر به یاری دهندگان امروز خواهد رسید.

آهنگ تعلیله از مراسم سور ختنه^۱



دوره جدید سال پنجم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۶ (پیاپی ۳۶، ۳۷)

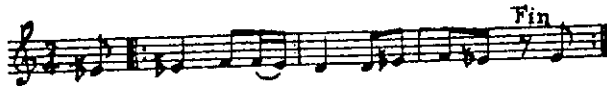
ختم قرآن یکی دیگر از مراحل زندگی است، که موسیقی در آن نقش عمده‌ای بازی می‌کند؛ در مراسم ختم فراگیری تمامی سوره‌های قرآن جشن گرفته می‌شود. مراسم دیگر جشن مربوط به آموختن قواعد و فنون اسب سواری است. موسیقی در این مراسم بی‌کلام بوده، با سرنا و طبله^۹ نواخته می‌شود؛ گروه‌های موسیقی آیینی که پیشتر از آنها سخن رفت، نیز در این مراسم شرکت می‌نمایند. گروه‌های دیگر، مخصوص موسیقی و رقص‌های محلی هستند؛ نیز گروه‌های مألوف^{۱۰} که با سازهای عود، رباب یا نی همراهی می‌شوند. عود، ساز بسیار کهنی است که در بسیاری اشعار پیش از اسلام از آن نام برده شده، در اروپا به نام لوت معروف شده است. رباب نیز سازی آرشه‌ای است که در قرون وسطی به اروپا رفته، به نام ربک معروف شد. نی هم سازی بادی است که از گیاه نی ساخته شده، اهمیت زیادی در موسیقی عرب دارد.

مهم‌ترین رویداد برای یک دختر روز ازدواج اوست. جهت آماده شدن برای این مراسم، دختر یک روز تمام را به دوختن لباس عروسی خود صرف می‌کند؛ حال آن‌که مرد جوان از عنفوان کودکی مشغول مهیا ساختن امکانات خود برای این روز بوده است. مراسم گوناگونی از نامزدی (فتحه) تا عروسی برای این روز تدارک دیده می‌شود. اجراهای موسیقی یک هفته پیش از روز عروسی در خانواده عروس و داماد آغاز شده، تا یک هفته پس از عروسی ادامه می‌یابد. آهنگ‌هایی که بیشتر از همه در این مراسم اجرا می‌شوند، آوازهای مربوط به میلاد پیغمبر هستند. این آوازاها در نخستین غروب نامزدی و خصوصاً در شب حناپندان خوانده می‌شوند؛ مراسمی که در آن دست‌های تازه عروس با حنا رنگ می‌شوند.

آواز میلاد پیغمبر

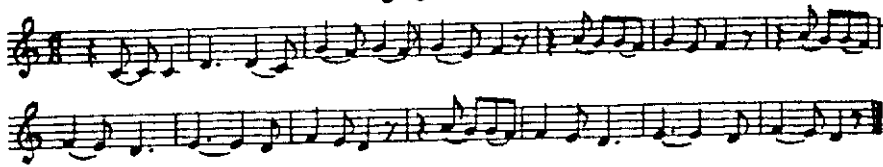


آواز دیگر را مردان جوان هنگام حمل جهیزیه عروس به حجله عروسی می‌خوانند:



دیگر آوازهایی که در قسمت‌های دیگر مراسم عروسی بیشتر خوانده می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. آواز عروس

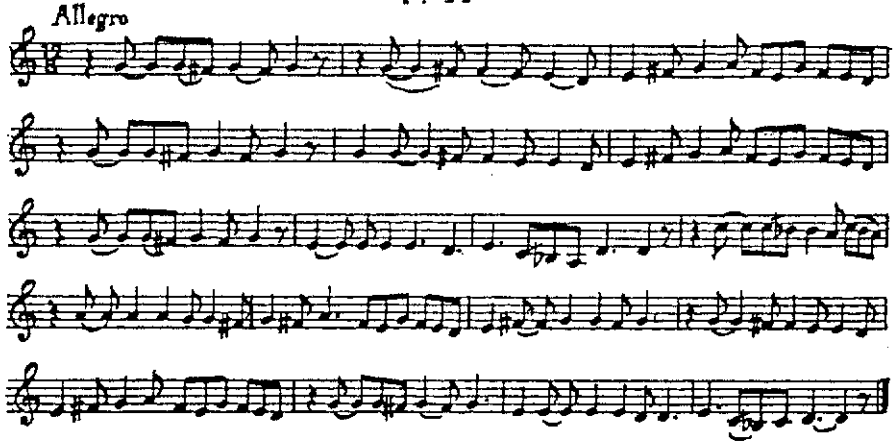


۲. آواز زوج عروس و داماد



وقتی عروس به در حجله می‌رسد، باید رقص قدیمی و آرامی را به منظور جلوه خود به خانواده شوهر اجرا نماید. این رقص به صدای آوازی مخصوص اجرا می‌شود؛ آواز را زنی سالخورده خوانده، ضمن آن زیبایی عروس را تحسین می‌کند. در همان حال عدد پنج به لغت ادا می‌گردد، تا چشم بد را دفع نماید. این مراسم تجلیه نام دارد.

۳. آواز تجلیه



در آخر آواز دیگری باید خوانده شود. در این آواز زیبایی اسباب خانه، فرش، وسایل اتاق خواب و دیگر چیزهایی را که داماد برای عروس فراهم کرده، ستوده می‌شود. هم‌چنین در این آواز تعداد افراد گروه موسیقی و مهارت نوازندگان ساز مورد تمجید قرار خواهد گرفت:



هریک از مراسم مذکور فرصتی برای مهمان است، تا در هزینه‌های جشن ازدواج میزبان را یاری دهند.

مراسم روز هفتم که با آن مراسم عروسی به پایان می‌رسد، از اجرای جشن‌های آیینی تشکیل شده، که با قرائت دسته جمعی سوره‌ای از قرآن به پایان می‌رسد (فتحه). موسیقی در دیگر مراحل زندگی بشر نیز حضور دارد. هنگام عزیمت یا مراجعت زائر مکه، گروه مؤمنان او را با آوازهای آیینی مشایعت یا استقبال نموده، در ضیافتی که به افتخار وی برپا می‌شود، شرکت می‌جویند. اگر یکی از اعضای خانواده بیمار باشد، یک برنامه آیینی که غروب در حضور او اجرا شود، باعث خواهد شد که او احساس بهتر

شدن پیدا کند. اگر بیمار شدیداً مریض باشد، نوع دیگری از مراسم اجرا می‌گردد، که در آن تمامی سوره‌های قرآن قرائت شده، یا نام خدا هزار مرتبه تکرار می‌شود. این مراسم یا باعث بهبود بیمار خواهد شد، و یا مرگی آرام و بی‌درد را به همراه خواهد داشت.

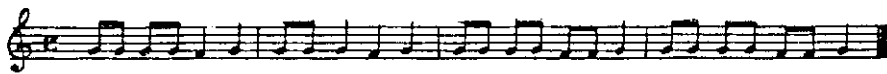
یکی از تأثیرات آفریقا که در تونس و بین زنان مسلمان و یهود دیده می‌شود، ترتیب دادن اجراهای موسیقی از آواز سیاه‌پوستان به همراه رقصی دیوانه‌وار است. نتیجه چنین برنامه‌های مشابه برنامه‌های موسیقی آیینی مربوط به شیخ ابوسعید است. در شبه جزیره‌ای که بر خلیج تونس مسلط است، برای شیخ ابوسعید که به امیرالبحر نیز مشهور است، برنامه یادبودی برگزار می‌گردد؛ روستای او محل تجمع و ملاقات جهانگردان و هنرمندان نقاش است.

آوازهای سیاه‌پوستان با مزود (نی انبان) و بندیر (دف یا حلقه‌های زنجیر) همراهی می‌شود.

موسیقی و تحصیل

نیم ساعت پایانی هر روز در مدرسه‌های قرآن مخصوص قرائت قرآن جمعی شاگردان به رهبری معلم مدرسه (مؤدّب) است. حتی مرکزی نیز وجود دارد که خصوصاً در مراسم جشن میلاد، شاگردان را برای شرکت در این قرائت جمعی با ریختن پول تشویق می‌نماید. در دهه ۱۹۳۰ م این مبلغ جمعاً به ۷ پانس (۰/۰۷ دلار یا پوند) می‌رسید. پیرزنان در این مراسم مشتاقانه دست‌های خود را باز می‌گذاشتند تا یکی از پول‌ها را به دست آورند؛ زیرا اعتقاد خرافی بر این بود که اگر یکی از این پول‌ها در کیفی باشد، آن کیف همیشه پر از پول خواهد بود.

آواز دومی که شاگردان پیش از ترک مدرسه می‌خوانند، آوازی است که در آن علاقه خود را به استاد (مؤدّب) بیان نموده، دعا می‌کنند که او به بهشت وارد شود.



موسیقی و سیاست

برای این قسمت دو مثال مهم از تونس بیان می‌شود. سلسله مؤحدین در مراکش موفق شدند تمامی شمال آفریقا و اندلس را طی دوران

بنی مرین، یک پارچه به‌زیر فرمان خود درآوردند. یک پارچگی تشکیل شده بعدها از هم گسیخت؛ و این به‌رغم همه تلاش‌هایی بود که برای دوباره تشکیل دادن آن انجام شد؛ از جمله آواز و رقص فرقه عیسویه که بین توده مردم رواج پیدا کرده بود. سلسله مذکور متعاقباً به‌دست امپراطوری شریفیان منقرض شد، و بدین ترتیب و به‌رغم تلاش‌های انجام شده، سلسله بنی مرین منقرض گشت. با این همه کلام و آواز فرقه عیسویه در شمال افریقا تا سر حد مصر بر جای ماند. نتیجه آن دلبستگی مؤمنان به ابن عیسی، مؤسس سلسله عیسویه، و مکناس، شهر خاستگاه او، و نیز احترامی عمیق برای مراکش است.

مثال دیگر که می‌توان در تونس بدان توجه نمود، سومین امیر سلسله حسینیّه، محمد الرشید بیک (۱۱۶۹-۱۱۷۲ ق) است. او از قدرت کناره‌گرفت تا خود را تماماً وقف محافظت از نوعی موسیقی نماید، که اعراب رانده شده از اندلس طی سده‌های نهم و دهم با خود آورده بودند. او نوبه‌را بازسازی کرد؛ بازسازی نوبه به کمک گروهی صورت پذیرفت که به‌همین منظور تشکیل شد. گروه مذکور از ده عالم ادیب و موسیقیدان تشکیل می‌شد، که یا در قسنطینه در الجزایر و یا باغ‌های شهر منوبه در تونس جلسات خود را تشکیل می‌دادند. محمد الرشید بیک نوبه را با اشعار و آهنگ‌های خود غنی‌تر کرد؛ و بدین ترتیب صاحب بیشترین شهرت در تاریخ شد، شهرتی که داشتنش آرزوی هر پادشاهی دیگر بود.^{۱۱}

موسیقی و علوم

همه منابع قدیم موسیقی که به دست ما رسیده، نشان می‌دهد که عالمان موسیقی در گذشته، معمولاً موسیقی را به علم نجوم مرتبط می‌ساختند؛ و هر یک از لحن‌ها را به یکی از بروج مخصوص می‌نمودند. چنین است که می‌بینیم در فرهنگ اندلسی اسپانیا و در فرهنگ دیگر کشورهای عرب لحن‌ها به اوقات مختلف روز تقسیم شده‌اند. بار دیگر برای مثال به فرهنگ تونس اشاره می‌کنیم. در تونس نوبه رمل مایه^{۱۲} تنها در اواخر عصر و لحن مایه هنگام طلوع نواخته می‌شود.

همچنین منابع مذکور نشان می‌دهند، که بین موسیقی و علم طب ارتباط وجود داشته است. بدین صورت که عالمان موسیقی و طب مردم را براساس تأثیر موسیقی بر آنها به چهار دسته مختلف تقسیم می‌نمودند. به‌همین دلیل مبنای تشخیص طبیبان بازار

تونس براساس عکس‌العمل بیماران نسبت به لحن‌ها و وزن‌های مختلفی بود، که در حضور بیماران باساز و آواز به‌طور بداهه اجرا می‌شد.

علاوه بر این اگرچه تغییر در حکومت زمینه‌ای برای تغییر در شاخه‌هایی از فرهنگ و هنر بود، استفاده از موسیقی هم‌چنان ادامه می‌یافت؛ حتی اگر تغییری ایجاد می‌شد، تنها در آهنگ یا وزن صورت می‌پذیرفت.

بهترین مثال برای این تغییرات در بیدار کردن مؤمنان در شب‌های ماه رمضان برای صرف آخرین وعده غذا پیش از اذان صبح مشاهده می‌شود، که یکی از سنت‌های بسیار قدیم مسلمانان است. اعلام سحر در دوره حکومت حفصیان در تونس با سازی بادی و در دوره حکومت ترکان باساز کوبه‌ای و آواز انجام می‌شد. در روستاها مردم به صدای نواختن وزن‌هایی مخصوص با طبله بیدار می‌گشتند، حال آن‌که ساکنان شهرهای بزرگ به‌نوی طبله یا طبله کوچک را می‌شنیدند، که با آواز همراهی می‌شد؛ در این آواز نام اهالی شهر گنجانده شده بود.

موسیقی و مشاغل

ادبیات عرب مملو از شواهدی است که نشان می‌دهد، موسیقی نزد اعراب در زمان‌های پیش جایگاهی ویژه داشته است. موسیقی به‌همراه تجار و کاروان‌های تجاری بود، چنان‌که پیش از این نشان داده شد؛ نیز صنعتگر و کارگر را همراهی می‌کرد. در همین رابطه قابل ذکر است، تا چند دهه پیش کارگران ساختمانی متخصص‌کنند پی ساختمان سرکارگری داشتند؛ تنها وظیفه او خواندن آوازی برای همراهی صدای ضربه‌های کارگران دیگری بود، که خاک را می‌کوبیدند. در همه کشورهای عرب آوازهای محلی متعددی برای همراهی کشاورزان، ماهیگیران و همه کارگران دیگر وجود دارد.

فیلسوفان نیز با موسیقی آشنایی داشتند؛ از جمله این فیلسوفان، فارابی (۲۶۰-۳۳۹ق) و ابن سینا (۳۶۳-۴۲۸ق) هستند*، که آثار متعددی در زمینه موسیقی تألیف نموده‌اند.

در قرون وسطی تاجران عمده برده نوجوانان را خریداری کرده، به معلمان مشهور موسیقی می‌سپردند، تا بدین صورت بتوانند آنها را به‌قیمتی بالاتر بفروشند. در بیشتر این موارد مهارت موسیقی امتیازی بود، که بردگان می‌توانستند آزادی خود را از آن

نواختن چندین ساز، احاطه کامل بر دانش لحن و وزن، و داشتن صدایی زیبا که مشهور است به چهار اکتاو، در آن رقابت پیروز گشت.

* * *

رشته‌ای که موسیقی را به مردم عرب پیوند می‌دهد، هیچ‌گاه از هم گسسته نشده است. حتی دختران عرب با وجود محرومیت از آزادی هیچ‌گاه از فرهنگ و موسیقی محروم نبوده‌اند؛ و در هر یک از خانواده‌های طبقه متوسط جامعه همیشه معلم موسیقی و ادبیات وجود داشته است. آواز مشهوری در تونس درباره یک نامزد رؤیایی به تمجید از زیبایی او، توانایی خواندن و نوشتن و مهارتش در نواختن ساز می‌پردازد.

در روزگار حاضر همه کشورهای عربی می‌کوشند تعداد مدارس موسیقی را بیشتر کنند؛ با این همه هنوز موفق نشده‌اند، نیازهای نسل جوان خود را برآورده سازند. امیدوارم که این نسل در محافظت از میراث موسیقی عرب مشارکت داشته، در عین حال موسیقی جدیدی را به وجود آورند، که درهای آن به روی همه فرهنگ‌ها باز باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. علامت ♮ نیم بمل است. این علامت نت اصلی را به اندازه ربع پرده پایین‌تر می‌آورد.
۲. مجموعه‌ای از قطعات سازی و آوازی که ریشه در فرهنگ اندلس دارد.
۳. ضبط شده در:

Unesco collection, "Musical Anthology of the Orient", Tunisian Music 1/2 BM 30 L

2008.

۴. نوبه این لحن تونس را انتشارات Gustav Bosse Verlag, Regensburg در مجموعه Studies of Mediterranean Music منتشر نموده است.

۵. هر میزان چند نوبت تکرار می‌شود.

۶. ظرف بزرگ مورد استفاده در مراسم.

۷. خوراک سنتی تونس که از آرد مغز گندم پخته می‌شود.

۸. علامت ♯ نیم دیز است، این علامت نت اصلی را به اندازه ربع پرده بالا می‌برد.

۹. سرنا سازی بادی مشابه ابوا است، طبله سازی کوبه‌ای است.

۱۰. موسیقی سنتی با ریشه اندلسی.

۱۱. نخستین کنسرواتوار موسیقی تونس در سال ۱۹۳۵ تأسیس و به احترام محمد الرشید به نام رشیدیه نامگذاری شد.

۱۲. برای اطلاع از لحن‌های عرب به این کتاب من مراجعه کنید:

La musique arabe (Paris: Alphonse Leduc, 1972)

* هر دو فیلسوف یاد شده (فارابی و ابن سینا) ایرانی هستند، متأسفانه جهان عرب نه تنها این دو فیلسوف بزرگ و شهیر ایرانی را در شمار فلاسفه عرب قلمداد می‌کند، بسیاری از فضلا و ادبا و فقهای ایرانی را نیز در جرگه عرب می‌شمارند هم‌چنانکه ابوالفرج اصفهانی و دیگران را در شمار موسیقیدانان عرب گرفته‌اند. (سردبیر).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرېنډي
پرتال جامع علوم انساني